تاراج گل

ظلم عالم را پریشان کرده است مادران را دیده گریان کرده است

باغ عالم کرده چون ماتم کده داغ بر پا لاله، گل ماتم زده

هر کجا رو آورد چون باد سام روزهای غنچه گردد تیره شام

ظلم طبع و طینت سفّاک هاست چرک و خون صلعۀ ضحّاک هاست

عدّل مهر و رحمت ربّانیان ظلم و قهر و نکبت شیطانیان

آن چو ابر دُر فشان جان پرورد وین چو جیش جان ستان آن بشگرد

ظلم بر هستی فشاند بذر مرگ عدل رویاند ز نیکی بار و برگ

ظلم ریسد دار چونان عنکبوت عدل بافد پرنیان از برگ توت